

جُلْدِ چَهْمِهٖ

تَلْحِجُ رَوْضَةِ الصَّفَا

تصنيف

میر محمد بن سید برہا زالدین خواجہ اشکدہ

الشہیر میر خواند

شیوہ شرونگار شس کم نظیر در ادبیات فارسی

در سیدہ نمہ ہجری

از روی نسخ متعددہ مقابلہ گردید و فہرست اسامی و اعلام
و قبایل و کتب با چاپہای دیگر متمایر شد

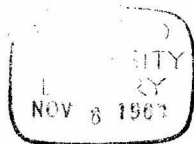
از انتشارات : کتابروشیہای

پیروز
تہران

خیام
چاپ پیروز

مرکزی

اردیہشت ۱۳۳۹



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست نسخهٔ سعادت ابدی و دیباچهٔ مجموعهٔ کرامات سرمدی ثنای کریمیست
 که از وجود بی‌غایت مخلوقات عالم علوی و سفلی را خلعت وجود پوشانیده حکیمی که از
 محض حکمت انتظام حال عباد را در اقطار آفاق برآفت و سیاست سلاطین ذوی الاقتدار
 منوط و مربوط گردانید

نظم

مر اورارسد کبریا و منی که ملکش قدیمست و ذاتش غنی
 یکی را بسر برنهد تاج بخت یکی را بخاک اندر آرد ز تخت
 وصلوات بلا انتها و تسلیمات لاتعدده و لاتحصی بر مرقد اقدس و مشهد سرور انبیاء
 و مهتر اصفیاء آن مخاطب بخطاب کریمهٔ و **وما ارسلناک و آن مشرف بتشریف کلمهٔ**
لولاک لما خلقت الافلاک و بر ارواح مطهر و اجساد معبر عترت و اصحاب و عشیرت
 و احباب او باد

چنین گوید مسود اوراق محمد خاوند شاه و فقه الله تعالی
 لنیل مایتمناه که باعث کلی و غرض اصلی از تلفیق این
 کلمات و تمهید این مقدمات آنست که مجدداً بپرتو التفات
 ضمیر آفتاب تأثیر و دولت‌مندی اختصاص یابد که بحلیهٔ انواع ادب و زیور اصناف

اما بعد

بنام او نوشته است و وی مدت شش سال بحکومت آنولایت اشتغال داشت چون امیر اسماعیل از عراق مراجعت نموده بجانب ترکستان لشکر کشیده و بسی مواضع کرده باغنایم نا محصور معاودت و در منتصف صفر سنه خمس و تسعین و ماتین بفرادیس جنان خرامید بعد از وفات او را امیر قاضی گفتند مدت سلطنت امیر اسماعیل بعد از انقراض ایام حکومت عمرو لیث هفت سال و کسری بود عدالت او بحدی بود که نوبتی بسمع او رسانیدند که در ری سنکی که زر خراج بآن وزن میکنند زیاده از سنگهای دیگر است امیر اسماعیل فی الحال چپرایلچی را بری روانه کرد تا سنگها را مهر کرده ببخارا آورد و چون چپرایلچی وارد ری شد مردم متوهم شدند که مبادا بجهت شلتاقی آمده پس سنگها را مهر کرده با خود بجانب بخارا برد و در دیوان خانه بسته ارباب دیوان معطل شدند چون سنک ببخارا رسانید احتیاط کردند از وزن مقرره زیاد بیرون آمد بفرمود تا زیادتی را اسقاط نموده سنک معدل بری فرستادند و حکم فرمود تا هر زیادتی که در ایام گذشته سنده باشند در آینده مجری دارند گویند که احمد پسر امیر اسماعیل را معلمی بود روزی معلم از احمد در خشم شده بحضور پدرش گفت که برکت دهاد خدای تراوانرا که تو از وی پیدا شده امیر اسماعیل از مجلس بیرون آمده آن معلم را عطادات تا حجابی که داشت زایل گشت نوبتی پیش امیر اسماعیل از حسب و نسب سخن میرفت فرمود که **کن عظامیا و لاتکن عظامیا** مخاطب فهم نکرد امیر فرمود که فخر بهتر و استعداد خود کن نه آنکه به اصل و تبار تو بزرگی بوده یحیی بن زکریای رازی گوید که روزی امیر اسماعیل از من پرسید که چه سبب بود که چون دولت آل معاد منقرض گشت و با آنکه شر ایشان غالب بود اندک چیزی که از آنجماعت صادر شده بود جاری ماند بازماندگان ایشان مرفه الحال روز گذرانیدندو آل طاهر که بعدل و کرم اتصاف داشتند بعد از زوال آنقوم خیراتی و مبراتتی که از ایشان صدور یافته بود مندرس گشت و منتسبان ایشان ابرو بد حال شدند جواب دادم که چون نعمت و اقبال آل معاد بنهایت انجامید آل طاهر استیلا یافتند چون ایشان ملوک عادل عاقل بودند خواستند که هر خللی که